

اقدامات فرهنگی شاه تهماسب اول

در نهادینه‌سازی تشیع در جامعه

جهانبخش ثواقب / استاد تاریخ دانشگاه لرستان / jahan_savagheb@yahoo.com

فریده مروتی / دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه لرستان / morovati.fa@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۳/۱۰ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۰۵/۰۸

چکیده

شاه اسماعیل اول مؤسس سلسله صفویه مذهب تشیع را در ایران رسمیت بخشید. این کار ابتدا در شهرها با قدرت نظامی اعلام می‌شد، اما صفویان دریافتند که برای تثبیت این مذهب در تاروپود جامعه و نهادینه‌سازی آن، به اقدامات گسترده فرهنگی و تشکیلاتی نیاز است. دوره پنجاه‌ساله سلطنت شاه تهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ق)، فرزند و جانشین شاه اسماعیل، فرصت مناسبی را فراهم آورد تا وی با حضور عالمان مهاجر که از مناطق عربی جبل عامل لبنان و بحرین به ایران آمده بودند، تلاش گسترده‌ای را برای شیعی‌سازی جامعه و تثبیت موقعیت این مذهب به‌کار بندد. این اقدامات، هم در سطح دینی‌سازی حکومت و کارگزاران آن صورت می‌گرفت و هم در شیعی‌سازی جامعه و رعایت مظاهر شرع در میان مردم به‌کار بسته می‌شد. فعالیت‌های فرهنگی، وجه غالب این اقدامات بود که فقها و علمای شیعه محوریت آن را به عهده داشتند. در این مقاله، اقدامات گوناگون شاه تهماسب اول در ترویج تشیع و نهادینه‌سازی آن در جامعه بررسی و تحلیل شده است. یافته پژوهش، نشان می‌دهد که در عصر او، از همه ظرفیت‌های موجود تبلیغی و ترویجی نظیر رهبران مذهبی، نمادها، زیارتگاه‌ها، شعائر، شخصیت‌ها، مراسم و سنت‌ها، نهاد‌های آموزشی و دینی، متون و معارف، در جهت تثبیت، نهادینه‌سازی و گسترش مذهب تشیع در جامعه ایران بهره گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، صفویه، مذهب تشیع، شاه تهماسب اول، فقهای شیعه.

مقدمه

تشکیل دولت صفویه در ایران در آغاز سده دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی، یکی از فصول مهم تاریخ اسلام و ایران است. با ظهور این دولت، هرج و مرج سیاسی و ملوک‌الطوایفی در ایران برچیده شد و صفویان، با رسمی کردن مذهب تشیع در ایران و تلاش در جهت ترویج و تبلیغ آن، از این تفکر مذهبی در تحکیم پایه‌های دولت خویش بهره جستند. با برقراری وحدت مذهبی، تمایز آشکاری بین دولت صفویه و همسایگان سنی مذهب خود (عثمانی و اوزبکان) پدید آمد که صفویان ناگزیر در برابر تهاجمات مکرر آنان، به پایداری ایستادند و هویت ارضی و سیاسی خود را حفظ کردند. سیاست مذهبی صفویه پس از استقرار، بر رسمیت بخشی و تقویت تشیع استوار بود و تحقق این امر، مستلزم به‌کارگیری ابزارها و راه‌کارهای مختلف بود. تغییر مذهب از تسنن به تشیع و تثبیت آن در جامعه، هدف نهایی این سیاست بود. عملی شدن این سیاست، نیازمند اقدامات فرهنگی گسترده بود. اگرچه شاه اسماعیل بنیان‌گذار سلسله صفویه توانست مذهب تشیع را رسمی کند، فرصت کافی و شرایط لازم را برای نهادینه‌سازی آن در جامعه در اختیار نداشت. جانشین او شاه تهماسب که بیش از پنجاه سال سلطنت کرد، توانست به این هدف جامه عمل بپوشاند؛ زیرا او به این نکته پی برد که تنها نمی‌توان بر زور شمشیر برای ترویج تشیع تکیه کرد، بلکه باید به اقدامات فرهنگی گسترده روی آورد تا آن را در گستره جامعه نهادینه و تثبیت کرد. دوره سلطنت شاه تهماسب، از این نظر اهمیت دارد که توجه ویژه‌ای به شریعت و مذهب و ساختارسازی و نهادینه کردن آن صورت گرفت. علمای شیعی، محور اصلی این برنامه بودند. او دریافت که ناگزیر باید عالمانی برای تبلیغ و ترویج این مذهب، و فقیهانی برای اجرای احکام آن در اختیار داشته باشد. از این رو، با سامان‌دهی علمای دین و دستگاه روحانیت شیعی و حمایت و تقویت آن، از توان فکری، فرهنگی و ایدئولوژیک این دستگاه، در ترویج مذهب شیعه در تار و پود جامعه بهره گرفت. در این پژوهش، اقدامات شاه تهماسب در گسترش و نهادینه‌سازی تشیع در جامعه ایران سده دهم قمری، بررسی و تحلیل شده است. اساس این پژوهش بر پرسش‌های ذیل قرار دارد:

۱. شاه تهماسب اول چگونه در گسترش و نهادینه‌سازی تشیع اقدام کرد؟
۲. نقش علمای شیعی در نهادینه‌سازی تشیع در زمان وی چگونه بوده است؟
۳. مناسبات سیاست و مذهب در این عصر، چگونه به گسترش تشیع در جامعه کمک کرد؟
برای بررسی و تحلیل بهتر موضوع می‌توان مفروض‌های زیر را مطرح کرد:
 ۱. شاه تهماسب اول با درپیش گرفتن سیاست مذهبی شیعه‌گرایی و اقدامات گسترده فرهنگی، در ترویج و نهادینه‌سازی تشیع در جامعه اقدام کرد.
 ۲. علما و فقهای شیعه این دوره، محور اصلی سیاست وی در شیعی‌سازی جامعه بودند.
 ۳. هم‌کاری دوسویه سیاست و مذهب، به گسترش و تثبیت تشیع در جامعه ایران انجامید.
از آن‌جا که رسمی شدن تشیع در دولت صفویه، تحول مهمی در حیات مذهبی ایران به‌شمار می‌رود و پیامدهای مختلفی را به دنبال داشت و این مذهب از آن پس در جامعه ایرانی به حیات خود ادامه داد، بررسی و چگونگی گسترش و تداوم آن در این سرزمین به عنوان یک موضوع، قابل بررسی و تحلیل است که این پژوهش، به گوشه‌ای از آن در دوره شاه تهماسب اول، در سده دهم قمری، می‌پردازد. بنابراین اهداف این پژوهش عبارتند از:
 ۱. بررسی و تبیین چگونگی ترویج و گسترش تشیع در ایران عصر صفوی؛
 ۲. بررسی و تحلیل اقدامات گوناگون شاه تهماسب اول در نهادینه‌سازی تشیع در جامعه؛
 ۳. بررسی و تحلیل نقش علمای شیعه در روند شیعه‌سازی جامعه در سده دهم قمری؛
 ۴. بررسی و تحلیل پیوند سیاست و مذهب در این عصر و تأثیر آن بر گسترش تشیع در ایران.
گزارش‌های روایی پراکنده‌ای از اقدامات مذهبی شاه تهماسب اول و حضور علما در دولت وی، در متون تاریخی عصر صفویه وجود دارد، اما این مقوله به طور مستقل و به شکل یک پژوهش تحلیلی در حوزه توجه پژوهش‌گران قرار نگرفته است. در نوشته‌های صفویه پژوهی و یا شیعه‌پژوهی اخیر، بیش‌تر به اقدام شاه اسماعیل در رسمیت‌بخشی به تشیع در ایران توجه شده است؛ برای نمونه، جعفریان در آثار متنوع خود به ویژه دین و سیاست در دوره صفوی (۱۳۷۰)، صفویه در عرصه سیاست، فرهنگ و مذهب (۱۳۷۹) و نقش

خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی (۱۳۸۷)، را مطرح کرده است. هم‌چنین میراحمدی دین و مذهب (۱۳۶۳)، صفت‌گل ساختار نهاد و اندیشه دینی و آقاجری (۱۳۸۱)، مناسبات دین و دولت، در ایران عصر صفوی (۱۳۸۹) را بررسی کرده‌اند. فرهانی‌منفرد مهاجرت علمای شیعه از جبل‌عامل به ایران (۱۳۷۷)، را کاویده است. ابطحی در مقاله‌ای چالش‌ها و دستاوردهای رسمیت یافتن تشیع در ایران (۱۳۸۳)، را به بحث گذاشته است. با این‌که در هرکدام از این نوشته‌ها، به تناسب به جنبه‌هایی از این موضوع در کلیت عصر صفویه اشاراتی شده، هیچ‌کدام به طور خاص، به اقدامات شاه‌تهماسب در نهادینه‌سازی تشیع در جامعه ایران عصر صفوی نپرداخته‌اند. تنها مقاله چلونگر (۱۳۸۳) ارائه شده به همایشی در موضوع صفویه، به اجمال برخی از جنبه‌های سیاست مذهبی این پادشاه را مطرح کرده است. حتی مقاله مختصر شادپور در همین همایش درباره سیاست مذهبی شاه‌تهماسب، تنها به چند نکته در بعد خارجی پرداخته است. در پژوهش حاضر با نگرشی متفاوت، این موضوع با تمرکز بیش‌تر بررسی گردیده است.

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی به شمار می‌آید که با توجه به ماهیت موضوع، پژوهشی توصیفی - تحلیلی است و موضوع پژوهش بر اساس گردآوری اطلاعات از منابع تاریخی به شیوه کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل این اطلاعات بر مبنای پرسش‌های مطرح‌شده به مدد استدلال و استنتاج عقلی، سامان‌دهی شده است.

سیاست مذهبی شاه‌تهماسب

شاه‌تهماسب در مقایسه با دیگر پادشاهان صفوی، نسبت به تشیع حساسیت بیش‌تری داشت. وی تلاش زیادی در جهت گسترش تشیع از خود نشان داد. او ابتدا با تغییر در حالات شخصی خویش، از برخی محرمات که در دربار پادشاهان معمول بود دست کشید و با تمسک به ظواهر شرع، سعی کرد این ظواهر در جامعه نیز رعایت شود. بنابه گزارش‌های تاریخی عصر صفویه، شاه‌تهماسب تا بیست سالگی (سال ۹۳۹ق) همانند دیگر پادشاهان

اهل باده‌گساری و مجالس بزم و مناهمی بود. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۱۶۸؛ خواندامیر، ۱۳۷۰، ص ۱۵۶) اما در آن سال، در مشهد در حرم رضوی توبه نصوح کرد و از همه منهیات شرعی دست شست و شیوه دین‌داری و پارسایی پیشه گرفت. (صفوی، ۱۳۶۳، ص ۲۹-۳۱؛ روملو، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۵۳۰؛ غفاری، ۱۳۴۲، ص ۲۸۷) وی به جهت رواج و رونق مذهب و احکام شریعت، طی حکمی، شراب و بوزه و بنگ و آلات غنا و هر نوع امور نامشروع را حرام اعلام کرد و دستور داد که از آن پس در کشور کسی مرتکب این امور نشود؛ درآمدهای حاصل از قمارخانه، شرابخانه، بیت‌اللطف، معجون‌خانه و امثال آن که از سراسر کشور به خزانه می‌رسید، از دفاتر حذف گردند و هر کس مرتکب امور نامشروع شود، در امر مجازاتش سخت‌گیری نمایند. پس از این حکم، کسی جرأت انجام دادن محرمات را نداشت و کسانی از بزرگان به دلیل ارتکاب منکرات، به خشم و غضب شاه گرفتار شدند و جان خود را از دست دادند. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۲۱۳-۱۲۱۴؛ قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ غفاری، ۱۳۴۲، ص ۲۸۷؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۷؛ خورشاه، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷-۱۱۸) به اقرار خود تهماسب، پس از آن توبه، از کل مملکت وی فسق و فجور برطرف شد. نظامیان او نیز از شراب و فسق و جمیع مناهمی توبه کردند و در سراسر مملکت، مظاهر نامشروع برچیده شد؛ در نتیجه، روزبه‌روز برای او فتوحات گوناگونی رخ داده که هرگز تصورش را نمی‌کرده است. (صفوی، ۱۳۶۳، ص ۲۷-۲۸)

این توبه که تا پایان عمر شاه ادامه یافت، نقطه عطفی در زندگی و سیاست‌های او به شمار می‌رود. او پس از این توبه، نظام حکومتی خود را بر پایه پیوند استوار دین و حکومت و چیرگی تام اصول و احکام دین بر حکومت قرار داد. بنابه گزارش‌ها، اساس زهد و تقوا و بنای توبه و تقید شاه، چنان متقن و محکم بود که در مدت بیش از پنجاه سال پادشاهی با وجود کمال قدرت و اختیار، هیچ‌گونه شائبه نقصی و احتمال خللی در عزم استوار وی راه نیافت. (افوشته‌ای، ۱۳۷۳، ص ۱۵؛ روملو، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹۵-۱۳۹۶؛ قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۳) او در امر به معروف و نهی از منکر و اجرای دستورهای شرع

چنان سخت‌گیری می‌کرد که «قصه‌خوانان و معرکه‌گیران و اصحاب طرب از اموری که در او شایبه لهو و لعب باشد» ممنوع گشتند. (واله، ۱۳۷۲، ص ۳۹۵؛ منشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۲) اجرای احکام دین و رواج و رونق مذهب شیعه دوازده امامی در عهد وی، چنان بود که کسی جرأت نداشت به امور نامشروع دست زند و یا جز طریق مستقیم امامیه راه دیگری بییماید. (قزوینی، ۱۳۶۷، ص ۳۰-۳۲) شاه‌تهماسب در ادامه سیاست مذهبی خود و برای سالم‌سازی اخلاقی جامعه، در سال ۹۷۶ قمری، احکام رسمی برای علمای اعلام و بزرگان اسلام صادر کرد و از آنان خواست که در سراسر کشور مجالس و عظم برگزار نمایند و به موعظه مردم بپردازند. به‌ویژه تأکید کرد که نمازهای جمعه و جماعات نباید از عظم خالی باشد. (شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۱)

شاه‌تهماسب، اقدامات گسترده‌ای برای گسترش تشیع انجام داد که زمینه تثبیت تشیع را در بیشتر مناطق ایران فراهم آورد. در ادامه به بررسی و تحلیل برخی از این اقدامات می‌پردازیم.

الف) به‌کارگیری علمای شیعه در مشاغل دولتی

شاه‌تهماسب در رأس اقدامات فرهنگی خود برای ترویج تشیع، ابتدا به تقویت جایگاه علما پرداخت. او با به‌کارگیری علما در مناصب رسمی دولت در پیوند مذهب و سیاست، از خدمات آن‌ها برای دینی کردن حکومت و جامعه بهره گرفت. اهمیت دادن دولت صفوی به تشیع و توجه ویژه به علما، باعث شد که به تدریج علما در امور اجتماعی و سیاسی مملکت مؤثر واقع شوند و در واقع نوعی رابطه بین قدرت مذهبی و قدرت دنیوی یعنی زعامت معنوی و زعامت سیاسی پدید آمد. اداره برخی از تشکیلات دولتی مانند امور قضایی، اوقاف و امور مالکیت توسط روحانیان، یکی از نتایج آن بود که از سنن قدیم نشأت می‌گرفت. اتحاد دولت و علما به صورت پدیدار شدن مشاغل و مناصب تجلی کرد. به روایت تذکره‌الملوک، مقامات عالی روحانی در دربار صفوی عبارت بودند از: ملاباشی،

صدر (صدارت خاصه و عامه)، شیخ‌الاسلام دارالسلطنه اصفهان، قاضی دارالسلطنه اصفهان و قاضی عسکر. (میرزاسمیعا، ۱۳۶۸، ص ۱-۳) ترویج تشیع امامی در جامعه و نهادینه کردن آن، یکی از کارکردهای مؤثر این عالمان بود. از این رو، آن‌ها بازوان مذهبی نظام سیاسی بودند که، رسمیت مذهبی تشیع در ایران را تثبیت کردند. در اوایل صفویه، بخش عمده‌ای از رسالت شیعی‌سازی جامعه بر دوش علمای مهاجر عرب‌زبان بود. بخشی از این علما، مسئولیت‌های مهم مذهبی را در دولت صفویه بر عهده گرفتند. برخی از آنان در مدارس به تدریس پرداختند و شاگردانی تربیت کردند که بعدها در ترویج تشیع مؤثر واقع شدند. آنان کتاب‌های زیادی در فقه، کلام، معارف شیعی و غیره نگاشتند و در نشر تشیع در جامعه کوشش بسیاری نمودند.

وجه مشخصه سیاست مذهبی تهماسب، چرخش از صوفیان به سمت فقیهان بود. تهماسب که قدرتش بازیچه جنگ و جدال امراء قزلباش شده بود، زمانی که به تدریج به سنین بالایی از رشد رسید، دریافت که صوفیان قزلباش نیرویی نیستند که بتواند به طور یک‌جانبه‌ای به آن‌ها تکیه کند. وی هم بنابه ملاحظات کلی ملکی در تحکیم و تثبیت سلطنت صفوی و هم برای ایجاد قدرتی در برابر قدرت نامطمئن قزلباش، رو به سوی فقیهان و عالمان شیعی آورد و در جهت گسترش نفوذ و قدرت آنان کوشید. به علاوه، فشار نظامی دو سوی شرق و غرب و محاصره مذهبی از درون و بیرون، شاه را ناگزیر کرد که از هر جهت خود را با شریعت موافق نشان دهد. (آقاجری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸) از این رو، فقیهان شیعی در حکومت صفویه پایگاه ویژه‌ای یافتند. در گزارش عبدی‌بیک شیرازی، به این نکته اشاره شده است:

[شاه تهماسب] میرغیاث‌الدین منصور صدر را چون از فقه بخشی نبود و در حکمت و فلسفه و هیأت و ریاضی و طب از دیگر علما ممتاز بود، از آن منصب عزل فرمود؛ میرمعزالدین محمد نقیب میرمیرانی و میر اصفهانی را که به فقاہت ممتاز و به ورع و تقوا بین الاقران سرفراز بود، نصب فرمودند. (شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۷۲)

بدین ترتیب علل بنیادی رویکرد شاهان صفوی به فقها عبارتند از:

۱. داشتن پایگاه معنوی ریشه‌دار علما و فقهای دین در بین مردم و نیاز دولت به بهره‌برداری از آن در جهت تقویت مقبولیت اجتماعی خود؛
۲. تأمین بخشی از قوانین اداری و قضایی در حاکمیت دینی، توسط فقها؛
۳. ایجاد تعامل در جامعه تصوف‌زده آن روز و نشان دادن اهمیت علوم کاربردی دینی چون فقه؛

۴. ضرورت توجه به توان‌مندی‌های سیاسی مذهب تشیع در عرصه دیدگاه‌های حکومتی، با رسمیت یافتن تشیع در جامعه و ظهور این توان‌مندی‌ها توسط فقهای شیعه؛
۵. مشروعیت یافتن صاحبان قدرت و شاهان صفوی از طریق فقها. (سپاهی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳)

بنابراین، شاه‌تیماسب کوشید تشکیلات دینی - مذهبی حکومت را با به‌کارگیری علما و فقهای تشیع گسترش دهد. از علما در سمت‌هایی مانند شیخ‌الاسلام، صدر، قاضی، قاضی‌عسکر، متولی، امامت جمعه و پیش‌نماز بهره برد و بر قدرت فقها افزود تا بتواند جامعه شیعی را استوار سازد.

سیاست روآوری شاهان صفوی به علما، موجب پدید آمدن شبکه‌ای از این نیروی عظیم مذهبی در جامعه این عصر شد که از نفوذ و قدرت بالایی در دولت و در میان مردم برخوردار شدند. هر کدام از این علما، چه در تصدی مناصب مذهبی و چه در اداره مساجد و مدارس و تربیت شاگرد و نگارش کتاب و رساله در موضوعات گوناگون دینی و مذهب تشیع، خدمات ارزشمندی را در نشر و ترویج اندیشه و معارف شیعی در جامعه آن عصر انجام دادند. در پرتو مساعی آنان، ایرانیان که تازه شیعه شده بودند، با مذهب تشیع دوازده امامی و مکتب اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام آشنایی گسترده یافتند. عالمان با اشتغال به درس و بحث و تدریس و پاسخ‌گویی به مسائل شرعی مردم و رفع دعاوی حقوقی آن‌ها، و با اقامه نماز جمعه و انجام‌دادن وظایف در منصب شیخ‌الاسلامی، در تبلیغ و گسترش مذهب تشیع در ایران کوشیدند. هم‌چنین آثار بسیاری در جهت همکاری و ایجاد سازش میان دین و دولت صفوی پدید آوردند.

ب) سنت مسجدسازی

در دوره صفویه، در ادامه سنت معمول در جامعه اسلامی و کارکرد آموزشی مساجد، یکی از راه‌های نشر اصول و معارف شیعی در جامعه، از طریق احداث مسجد به عنوان مراکز عبادی، تعلیمی و وعظ و بیان تعلیمات دینی بود. از این رو، مساجد معروف و باشکوهی در این دوره ساخته شد و عالمان بزرگی در این مساجد به ادای فریضه نماز، بیان معارف مذهبی و حقایق شیعی، وعظ و اندرز و حتی تعلیم و تربیت می‌پرداختند. شاه‌تهماسب نیز با ساختن مساجد در شهرها به ویژه در پایتخت‌های صفویه (تبریز و قزوین)، از این مراکز دینی برای ترویج تشیع و نهادینه کردن آن در جامعه به نحو مطلوب استفاده کرد؛ زیرا پایگاهی برای حضور عالمان شیعی و دایر کردن جلسات درس و بحث و نشر معارف شیعی بودند. این مساجد را خود شاه‌تهماسب یا وابستگان او از خاندان سلطنتی و برخی از شخصیت‌های عصر وی بنا نهادند.

علاوه بر مساجد پیش از صفویه، در گزارش‌ها به فهرستی از مساجد می‌توان دست یافت که در ایام سلطنت شاه‌تهماسب ساخته شدند یا تعمیرات و الحاقاتی روی برخی مساجد برای استفاده بهتر صورت گرفته است. (نک: پژوهشگاه، ۱۳۷۸، صفحات مختلف)

ج) سیاست مدرسه‌سازی

در عصر صفویه، به واسطه آن‌که مذهب، اساس وحدت ملی شد، بر عوامل دیگر اثر گذاشت و امری که بیش از همه تحت تأثیر این سیاست واقع شد، تعلیم و تربیت بود. صفویه سیاست مذکور را در تمام مراحل مکتب، مسجد، مدرسه، مجالس وعظ و روضه‌خوانی و تعزیه، عملی ساختند. (صدیق، ۱۳۴۹، ص ۲۵۲) در این دوره، علاوه بر مساجد بزرگ و سرای برخی از علما، مدارس نیز وجود داشتند که مرکز رسمی فعالیت‌های درسی و علمی بودند. صفویان با حمایت از مذهب تشیع و ترویج آن به قدرت رسیدند. آنان برای حفظ مشروعیت حکومت خود، از حمایت برخی علما و تأسیس فضاهای آموزشی دریغ نمی‌نمودند. هم‌چنین تدوین، تبلیغ و ترویج و نشر آداب و احکام و

شعائر مذهبی و حمایت از علما بدون توجه به فضاهای آموزشی و مهیا کردن امکانات آموزشی میسر نبود و مستلزم توسعه نظام آموزشی بود. به این ترتیب، تعداد بسیاری مدرسه احداث شد و هزینه‌های زیادی صرف آموزش طلاب و اداره مدارس گردید. (کیانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۱؛ احمدی، ۱۳۸۴، ص ۴۵) در نتیجه افزایش مدارس، ایران عصر صفوی، به مرکز مهمی برای فراگیری علوم دینی شیعه تبدیل شد و این امتیاز را تا سقوط اصفهان حفظ کرد.

در مدارس دینی عصر صفویه که عمدتاً وقفی بودند، واقفان شرایط خاصی را برای گزینش مدرس که مهم‌ترین رکن آموزش بود، در نظر می‌گرفتند. از خلال وقف‌نامه‌های موجود درباره این مدارس، شرایطی چون: تقید به مذهب تشیع دوازده امامی، تسلط بر علوم دینی، و عدم آلودگی به مفاسد اخلاقی، برای هر مدرس ذکر شده؛ زیرا مدارس، مکانی برای تبلیغ و ترویج آیین تشیع به شمار می‌رفت و مدرس می‌بایست به این مذهب تقید لازم را می‌داشت. (رک: احمدی، ۱۳۹۰، ص ۶۷-۷۰) واقفان در گزینش طلاب علوم دینی نیز حساسیت‌هایی نشان می‌دادند که تقید به تشیع در رأس همه بود؛ زیرا یکی از انگیزه‌های ایجاد مدارس در این دوره و نیز یکی از اهداف واقفان، ترویج و اشاعه این مذهب بود؛ بنابراین دقت در انتخاب طلاب شیعه، از موارد اساسی آن به حساب می‌آمد. (سپینتا، ۱۳۴۶، ص ۲۹۹)

ساخت مدارس و ایجاد نظام آموزشی در سلطنت شاه‌تهماسب نیز در جهت سیاست ترویج تشیع به کار گرفته شد. مدرسه «ذوالفقار»، در بازار بزرگ اصفهان و کتابخانه معتبر آن (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴۹۴؛ موحد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۲؛ بلیک، ۱۳۸۱، ص ۱۷۵)، مدرسه پری‌خان‌خانم در اصفهان (رفیعی، ۱۳۵۲، ص ۲۹۰؛ ایمانیه، ۱۳۵۵، ص ۱۲۲)، مدرسه پیغمبریه قزوین (گلریز، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۹۹-۶۰۰) و دیگر مدارس قزوین در این دوره، مدرسه التفاتیه، مدرسه آقا، مدرسه حیدریه، مدرسه سردار، مدرسه شعبان‌کردی، مدرسه شیخ‌الاسلام و مدرسه صالحیه (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴، ص ۳۳۸)، از مدارس این دوره بوده‌اند.

د) استفاده از سنت وقف در ترویج مذهب

بی‌گمان نهاد وقف، از جمله نهادهای ریشه‌دار و استواری بود که در جامعه پیش از صفویه وجود داشت. تنها تفاوت در این دوره تغییر کارکرد آن است. در واقع با رسمیت یافتن آیین تشیع در دوره صفویه، کارکرد نهاد وقف در خدمت آیین جدید قرار گرفت و خود را با نیازها و احتیاجات آن منطبق کرد. (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۲۶-۲۷) بیش‌ترین موقوفات این دوره در جهت تبلیغات مذهبی قرار داشت. طی دوران طولانی سلطنت شاه‌تهماسب اول، همراه با شکل‌گیری و تثبیت نهاد دینی در ایران، نهاد وقف نیز رفته‌رفته شکل گرفت. شاه‌تهماسب خود واقفی بزرگ بود. براساس آگاهی‌های موجود، او مقدار زیادی موقوفه برای آستانه حضرت عبدالعظیم در ری معین کرد. (هدایتی، ۱۳۴۴، ص ۷۷-۹۳) شاه به دلایل مذهبی و سیاسی، به عراق عرب نیز توجه ویژه‌ای داشت. او در فرمانی، میزان چشم‌گیری املاک و رقبات را در عراق عرب بر خاندان کرکی وقف نمود. گذشته از آن توجه ویژه به عتبات داشت. در سال ۹۳۵ قمری نهری از آب فرات را وقف کرد که محصول و منافع آن صرف نیازهای مراقده مطهر نجف و کربلا شود. (خوانساری، ۱۳۵۶، ج ۵، ص ۱۷۰. حسین‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۲۲۱-۲۲۸) در این دوره، قزوین که تقریباً در نیمی از سلطنت او پایتخت صفویان گشته بود، رونقی یافت و مخصوصاً موقوفات شاه بر آستانه شاه‌زاده حسین قزوین قابل توجه است. از راه درآمد حمامی که شاه بر آستانه شاه‌زاده وقف کرد، گذشته از سایر مصارف نظیر عمارت بقعه و تهیه فرش و قالی و حصیر و چراغ و سایر اسباب روشنایی، هزینه خادم و حفاظ آستانه پرداخت می‌شد. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۳۴-۱۴۱) هم‌چنین شاه‌تهماسب، باغی را وقف امام رضا علیه السلام کرد تا از عواید آن برای بازسازی حرم و سروسامان دادن به مقبره متبرکه استفاده گردد. (شیرازی، ۱۹۷۴، ص ۴۰) گذشته از شاه‌تهماسب، شاه‌زادگان و بانوان حرم شاهی نیز به این آستانه توجه داشتند. یکی از آنان تاجلویبیگم با اسم اصلی شاه‌بیگی‌بیگم، دختر مهمادبیگ‌بن حمزه‌بیگ بکتاش موصلو بود که موقوفاتی را برای آن آستانه وقف کرد. از موقوفات او، قریه حسن‌آباد ورامین ری بود که برای سادات مدینه وقف کرد و در ساختن حرم حضرت معصومه علیها السلام در

قم، هزار تومان املاک نفیس وقف نمود و عمارت گنبد موسوم به جنت سرا در بقعه اردبیل و پنجره‌ای برای ضریح شاه‌اسماعیل در آن بقعه ساخت. (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۰) این وقف‌ها، تأثیر ویژه‌ای در ساخت و گسترش بناهای مذهبی داشت. شاه‌زاده سلطانم (مهین بانو) از خواهران شاه‌تھماسب، املاک نفیسی در شیروان، تبریز، قزوین، ری، گرم‌رود، اصفهان و استرآباد وقف چهارده معصوم کرد. (همان، ص ۴۳۰-۴۳۱) قم نیز از دیگر شهرهایی بود که شاه توجه خاص به آن داشت. او در سال ۹۴۱ قمری، مدتی در قم به سر برد و طی همین مدت، همواره به زیارت مشاهد متبرکه و اماکن مشرفه شهر می‌رفت و در عمارت و رواج و رونق و نظام و نسق هر یک از آن مزارات می‌کوشید. وی وجوه زیادی از خزانه را برای مخارج این اماکن اختصاص داد و املاکی بر بعضی از اماکن و مزارات وقف نمود و بر بقیه سیورغالات تعیین کرد. (همان، ص ۲۹۹) شاه‌تھماسب به نظم و سامان‌دهی موقوفات نیز توجه ویژه‌ای داشت. شخصاً به حساب اوقاف رسیدگی می‌کرد تا انحرافی رخ ندهد و سعی می‌کرد اشخاص درست‌کار و عالم به سمت تولیت گماشته شوند. (سپنتا، ۱۳۴۶، ص ۴۰)

در عصر حاکمیت وی، نمونه‌های دیگری از اوقاف وجود داشت که افراد دیگر وقف می‌کردند. (برای نمونه نک: هنرفر، ۱۳۴۴، ص ۳۷۶ و ۳۸۰) در مجموع در این دوره از سنت وقف، در بنای مدارس دینی، برگزاری مراسم مذهبی، افزایش سفرهای زیارتی و توسعه بناهای مذهبی استفاده می‌شد که همه این موارد در جهت گسترش تشیع در جامعه صورت می‌گرفت.

ه) ترجمه متون دینی عربی به فارسی

از اقدامات شاه‌تھماسب برای تقویت مذهب تشیع، فرمان ترجمه بسیاری از متون عربی شیعه به زبان فارسی بود. برخی از نوشته‌های عربی مهم شیعه که شرح حال امامان علیهم‌السلام بود، به دستور شاه ترجمه شد تا بتواند وسیله‌ای برای تقویت مذهب تشیع باشد. شاهان صفوی، سیاست فرهنگی ویژه‌ای در این زمینه داشته، به طور رسمی از عالمان خواستند تا به

ترجمه آثار شیعه پردازند. در دوره شاه تهماسب اول که دوران تثبیت این دولت است، این حرکت دقیقاً با هدف ترویج تشیع در میان سنیان ایران دنبال شد. این نکته از مقدمه‌ای که برای دومین ترجمه کشف الغمه در این دوره نوشته شده، به دست می‌آید. از آن پس، تقویت مذهب تشیع و گرایش به توده‌ای کردن فرهنگ شیعی، انگیزه شاهان صفوی و عالمانی بود که در این دوره زندگی می‌کردند. از بررسی آثار ترجمه شده می‌توان دریافت که جهت‌گیری و هدف اصلی ترجمه متون مذهبی، با هدف نشر تشیع بوده است. در این زمینه به طور عمده، آثاری درباره عقاید اسلامی به سبک شیعه و به طور خاص آثاری در زمینه امامت و فضایل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام پدید آمد. (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۱۰۰) این اصل، نه تنها در ترجمه، بلکه در نگارش‌های این دوره کانون توجه بوده است. برای نمونه، محمد بن اسحاق حموی ابهری از شاگردان محقق کرکی، کتاب *انیس المؤمنین* را در شرح حال دوازده امام نگاشت که محقق کرکی در سال ۹۳۹ قمری بر آن تقریظ نوشت. همو کتاب *منهج الفاضلین فی معرفة الائمة الکاملین* را در بیان اعتقادات شیعه به ویژه بحث امامت نگاشت و هر دو کتاب خود را با نام شاه تهماسب صفوی آغاز کرد. (همان، ص ۱۱۰۴) مهم‌ترین آثار ترجمه و تألیف در دوره شاه تهماسب که غالباً به وی اهدا شده‌اند، عبارتند از:

۱. ترجمه کشف الغمه فی معرفة الائمة، نوشته علی بن عیسی اربلی در شرح حال امامان

شیعی؛

۲. مفتاح الجنان، ترجمه‌ای از کتاب *عروة الداعی* احمد بن فهد حلی در زمینه دعا؛

۳. طراوة اللطائف، ترجمه الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف اثر رضی الدین

علی بن طاووس؛

۴. وسیلة النجاه در معرفت اعتقادات، ترجمه‌ای از رساله اعتقادات شیخ صدوق؛

۵. خلاصة المناقب در ترجمه قصیده میمیه شرف الدین بو صیری از نویسندگان اهل سنت

در قرن هفتم هجری؛

۶. نشر الامان از زواره‌ای در ترجمه کتاب الامان ابن طاووس؛

۷. ترجمه باب حادی عشر از عبدالحسین کاشانی (قرن ۱۰ ق.؛)
۸. کشف/الاحتجاج از ملافتح‌الله بن شکرالله کاشانی (م ۹۸۸ ق.؛)
۹. ترجمه *نفحات‌اللاهوت*، از امیرمحمد بن ابی طالب موسوی استرآبادی (قرن ۱۰ ق.؛)
۱۰. ترجمه *عده‌الداعی* (ابن فهد حلی) از نصیرالدین محمد بن عبدالکریم انصاری (قرن ۱۰ ق.؛)
۱۱. *کفایة المؤمنین فی معجزات الائمه المعصومین* در ترجمه *الخرایح و الجرایح* قطب راوندی، از محمد شریف خادم. (نک: طهرانی، بی تا، ج ۲۱، ص ۳۵۵-۳۵۶ و ج ۲۴، ص ۱۵۸؛ جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۱۰۵-۱۱۰۷ و ۱۱۲۰-۱۱۲۶)

و) ترویج شعر (مدیحه‌سرایی) در منقبت امامان شیعی

کاهش نفوذ تصوف و شدت گرفتن علایق شیعی، در زمان شاه‌تهماسب، تأثیر قاطعی بر شعر فارسی داشت. این تأثیر از آن جهت است که دربار صفوی و در رأس آن شاه، علاقه چندانی به غزل و اشعار ستایشی و حتی حماسی نداشتند (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶) و شاعران را به دلیل سیاست خاص دولت صفوی که اساس حکومت را تشکیل می‌داد، بیشتر به اشعار مذهبی تشویق می‌کردند. (میراحمدی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۸) اصولاً شخصیت‌های مقدس شیعه که دارای درجات و مراتبند، در شعر شیعه حضوری پر شور دارند. این شخصیت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. اهل بیت که همان ذریه حضرت محمد ﷺ و امامان معصوم هستند؛
 ۲. منسوبان به اهل بیت از خاندان بنی‌هاشم نظیر حمزه سیدالشهدا و جعفر طیار و کسانی دیگر که به عنوان نمادهای شجاعت، شهادت، شهامت و جوان‌مردی در شعر شیعه مطرح شده‌اند. (ناعمی، ۱۳۹۰، ص ۶۹ و ۷۷)
- آنچه به اشعار دوره صفویه بیشتر توجه فرهنگ دینی و شیعی می‌بخشید، مناقب و مراثی فراوانی است که عموماً در مدح حضرت علی ﷺ و فرزندان آن حضرت و سوگ سرور شهیدان امام حسین ﷺ سروده شده است. (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۲)

محتشم کاشانی از شاعران مشهور مرثیه‌سرای معاصر با شاه تهماسب است که در شاعری، شهره خاص و عام بود. محتشم شعری در ستایش تهماسب و دخترش پری‌خان‌خانم سرود و از کاشان برای آنان فرستاد. چون شنید که تهماسب از اشعار حاوی مدح و ثنای خود راضی نیست و تأکید دارد که شاعران در شأن ائمه معصومین علیهم‌السلام شعر بگویند، محتشم نیز هفت‌بند مولا حسن کاشی را که در شأن حضرت علی علیه‌السلام سروده بود، جواب گفت و برای شاه فرستاد و صله در خوری دریافت کرد. شعرای پایتخت نیز شروع به هفت‌بندگویی کرده، حدود پنجاه - شصت هفت‌بند غراً به تدریج به دست شاه رسید و همگی به جایزه و صله مفتخر و سرافراز شدند. (منشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۷ و ۲۷۹؛ واله، ۱۳۷۲، ص ۴۷۵)

محتشم آن‌گاه مرثیه‌ای برای امام حسین علیه‌السلام در سلک نظم در آورد که به تعبیر اسکندریگ، ابیات بلند و معانی دقیق در آن مندرج است. گوشواره گوش سخن در آن روزگار و تا یوم‌القرار از او یادگار است. (منشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۹) این مرثیه با به تصویر کشیدن جریان کربلا، در ترویج مراسم مذهبی بسیار مؤثر بود. اشعاری در دیوان محتشم کاشانی، پیدا می‌شود که در ستایش حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام سروده شده است. از جمله سه قصیده غراً در مدح حضرت علی علیه‌السلام وجود دارد که در آن‌ها ویژگی‌های شخصیتی، دلاوری‌ها، مناقب و فضایل، شجاعت، دانایی، عدالت و دیگر ابعاد وجودی ایشان را به تصویر کشیده است. (محتشم، ۱۳۴۴، ص ۱۴۲ و ۳۰۱-۳۰۴) شاعر در قصیده‌ای دیگر از این‌گونه قصاید، ابتدا از توصیف باری تعالی سخن رانده، سپس به ذکر مناقب پیامبران از آدم تا خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرداخته و در ادامه، حضرت علی علیه‌السلام و دیگر ائمه را مدح گفته است. محتشم در این قصیده، در هر بیت نام یک امام را همراه با واقعه‌ای از زندگی او آورده که مؤید عظمت آن امام است. (همان، ص ۱۲۵) وی هم‌چنین در یک ترکیب‌بند چهاربندی، به مدح امام رضا علیه‌السلام زبان گشوده است. (همان، ص ۳۵)

وحشی بافقی (م ۹۹۱ ق) از دیگر شاعران مشهور این دوره است که مدایحی در این زمینه از او بر جا مانده است. وی قصایدی را در منقبت حضرت علی، امام رضا و امام

مهدی علیه السلام انشا نمود. او در ابیاتی، با تکیه بر آیات و احادیث، چهره ممتاز و مقدس حضرت علی علیه السلام را به تصویر کشیده است. (وحشی بافقی، ۱۳۴۷، ص ۱۹۴، ۲۶۳ و ۴۲۵) عبدی بیگ نویدی، از بزرگان شیراز (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۹۵) و از شاعران پرکار این عصر نیز در مثنوی‌های متعدد خود، به ستایش پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته است. وی در *سلامان و ابسال*، پس از نعت سید المرسلین و دیگر انبیا، به منقبت و ستایش حضرت علی علیه السلام می‌پردازد. او در ضمن حکایت جنگ صفین، به اعجاز حضرت اشاره می‌نماید و به این بهانه به مدح شاه اولیاء می‌نشیند. در *آیین اسکندری* نیز به ستایش دوازده امام پرداخته و همه را وارث و وصی پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است. (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹-۲۰۰)

ملاحیرتی تونی نیز به دلیل سرودن اشعاری در منقبت حضرت علی علیه السلام از عفو تهماسب برخوردار گردید و به منقبت‌گویی روی آورد. (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲؛ منشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۷) *شاهنامه* حیرتی از منظومه‌های نادر با موضوع جنگاوری‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است. این منظومه متجاوز از بیست هزار بیت است. شاعر مثنوی بلندی نیز شامل ۱۰۸۰۰ بیت شعر دارد که ضمن آن کتاب *بهجة المباحج* حسن شیعی سبزواری را که در تاریخ پیغمبر و امامان علیهم السلام بود، به شعر درآورده و نامش را کتب معجزات نهاده است. وی در مقدمه، پس از ستایش خداوند و درود بر مصطفی و آل او، درباره انگیزه این اثر خود، به شعر شرح می‌دهد. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۳۸۲؛ قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۷۴؛ طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲)

فضولی بغدادی هم بیش‌تر اشعارش را در منقبت ائمه سروده است. (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۶) وی کتاب *حدیقة السعداء* را به تقلید از *روضه الشهداء* واعظ کاشفی در شهادت امام علی علیه السلام به رشته نظم درآورد. (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۷) تا به این وسیله، احترام به محل شهادت امام علی علیه السلام و مظلومیت آن بزرگوار را در دل شیعیان عصر زنده کند. از او قصیده‌ای زیبا در وصف امام حسین علیه السلام و کربلا به یادگار مانده است. (بغدادی، ۱۹۶۲، ص ۲۰۴-۲۰۶) روملو درباره این شاعر نوشته که مولانا قطب‌الدین بغدادی در علوم عقلی و علم حدیث،

سرآمد دیگران بود و در مطالعات دینی، از جمله مراجع عصر خود به شما می‌رفت. در نوشتن و گفتار فلسفی بی‌مانند و شاگرد میرغیاث‌الدین منصور بود و نزد شاه‌تھماسب تقرب بسیار داشت. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۴۳۰)

تظاهرات مذهبی صفویان و موضع‌گیری خاص شاه‌تھماسب، سبب شد که مرثیه‌سرایی و مدح ائمه علیهم‌السلام نضج و رونق بگیرد و بیش‌تر گویندگان آن دوره، آثاری را در این زمینه بسرایند. افزون بر این، اشعار مذهبی را برای گرم شدن مجالس روضه‌خوانی و وعظ و راه‌اندازی دسته‌های عزاداری به‌وجود بیاورند که از جانب دستگاه حکومتی شاهان صفوی به شدت حمایت می‌شد. (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰) مداحان نقش مهمی در نشر اشعار شاعران داشتند؛ چون دارای سابقه‌ای طولانی در ادبیات شیعی بودند و در زمان شاه‌تھماسب اعتبار بیش‌تری یافتند. (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰) او برای مداحان و تبرائیان مقرری تعیین نمود. (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۹۸)

ز) ترویج شعائر مذهبی

ترویج شعائر مذهبی، یکی دیگر از اقدامات شاه‌تھماسب برای نهادینه‌سازی تشیع در جامعه بود. برای این اقدام از سکه، خطبه، اذان و استفاده از آیات قرآنی و فرمایش‌های معصومان (حک کردن بر سردر مساجد، مدارس و مکان‌ها)، بهره می‌گرفت. رواج شعائر مذهبی از زمان شاه‌اسماعیل شروع گردید و در زمان جانشین او (شاه‌تھماسب)، توجه ویژه‌ای به آن شد و این روال به‌طور گسترده ادامه یافت. شعائر مذهبی در روی سکه‌ها تغییر چندانی نکرد، فقط به جای اسم شاه‌اسماعیل، نام شاه‌تھماسب درج شد. شاه‌تھماسب با توجه به تعصبی که در امر مذهب داشت، همواره سعی می‌کرد از سکه‌هایی استفاده کند که متضمن شعائر شیعی هستند و گرایش خود را به شیعه و اصول اعتقادی نشان دهد. از این رو جملاتی چون «غلام امام مهدی علیه‌السلام» و «غلام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام» بر روی سکه‌ها حک کرد که نمونه‌ای از این جملات به این قرار است:

«غلام علی بن ابی طالب علیه السلام السلطان العادل الهادی الوالی ابوالمظفر پادشاه تهماسب صفوی خلدالله ملکه». (اسماعیلی، ۱۳۸۵، ص ۴۰)

رواج شعائر مذهبی در خطبه‌ها مثل دوره شاه اسماعیل بود. بدین گونه که پیش‌نماز بر فراز منبر، خطبه نماز جمعه را با ذکر مناقب و مفاخر امامان علیهم السلام و اسامی و القاب آنان آغاز می‌کرد. (واله، ۱۳۷۲، ص ۱۹۹)

رواج شعائر مذهبی، فقط به خطبه‌ها و سکه‌ها محدود نشد، بلکه به ظروف، کتیبه‌ها و نقاشی هم کشیده شد. نوشته‌های مذهبی روی ظروف، به شکل اشعار فارسی بود که در مورد زیارت و وقف، گاهی با دعا‌های عربی، خواستار درود الهی بر چهارده معصوم بودند تا حدی که دعا‌های شیعی خطاب به امام علی علیه السلام بر روی جام‌های بزرگ حک می‌شد. برای نمونه:

بده به بنده خدایا در این خجسته سفر^۱ هزار نصرت شاهی، هزار فتح و ظفر
به حرمت سه محمد به حق جان علی به دو حسن و حسین و به موسی و جعفر
(کنبی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱-۱۶۲)

کاربرد شهادتین شیعه، در اوایل حکومت صفویان بسیار رایج بوده است. استفاده از ترکیب کلمات الله، پیامبر و امام علی در کنار هم، اعتقادات مسلمانان شیعه آن دوره را نشان می‌دهد. این جملات را در بسیاری از مساجد و مکان‌های مقدس در اوایل دوره صفوی می‌توان یافت؛ مانند مسجد جامع اصفهان، مدرسه نیم‌آورد و مسجد امام اصفهان. (شایسته‌فر، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹-۱۷۲) آیات قرآنی و یا دعا، تنها متون مورد استفاده کتیبه‌ها نیست. از حدیث نیز در کتیبه‌های مذهبی استفاده می‌شد. نام شخصیت‌های مذهبی و گفته‌های منتسب به پیامبر صلی الله علیه و آله زیاد دیده می‌شود. برای نمونه، حدیث معروفی از پیامبر صلی الله علیه و آله به خط کوفی وجود دارد که متن آن بدین گونه است:

۱. به سفری زیارتی اشاره دارد که از مقابر متبرکه نجف و کربلا شروع شده و به مکه و مدینه ختم گشته است.

«من شهر علم هستم و علی دروازه آن».

این حدیث در مدرسه نیم‌آورد اصفهان در سده نهم تا یازدهم هجری دیده می‌شود. (همان، ص ۱۹۱). شاه تهماسب، تمام تلاش خود را برای ترویج فرهنگ تشیع از راه نوشتن کتیبه‌هایی با مفاهیم اعتقادی شیعیان در اماکن مذهبی به کار گرفت.

ح) ترویج زیارت بقاع متبرکه و رسیدگی به مقابر مذهبی

دیدار از بزرگان دین و یا دیدار از یک مکان مقدس و قبور درگذشتگان و خواندن دعاهای مخصوص هر آرامگاه، خواندن نماز و قرآن در آن مکان، راز و نیاز با خدا و مخاطب قرار دادن آن بزرگ یا صاحب قبر را زیارت گویند که واسطه‌ای برای شفاعت و کسب فیض الهی برای دیدارکننده شود. شیعیان ثواب و فضیلت بسیار برای این عمل، قائلند. در حقیقت عمل مقدس زیارت، نماد احترام به شأن و منزلت بزرگان و نماد نزدیک شدن به مقدس بالذات و به نوعی نماد بازآفرینی عمل فرشتگان در عالم بالاست؛ زیرا شیعیان بر این باورند که حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم‌السلام محل آمدو شد فرشتگان است و آنان همواره در حال زیارت این بزرگوارانند؛ لذا زیارت آنان همواره اهمیت و جایگاه ویژه‌ای نزد شیعیان دارد، حتی اگر با سختی‌های فراوان همراه باشد. (ناعمی، ۱۳۹۰، ص ۸۴-۸۵) بقاع متبرکه و مقابر مذهبی شیعی در سلطنت شاه تهماسب، به عنوان کانون‌های تجمع شیعیان مورد توجه خاص قرار گرفت. شاه بناهای زیبایی روی بسیاری از مقابر ائمه و امام‌زادگان ساخت و ارتباط مردم را با این مراکز بیش‌تر کرد. تا پیش از این، ایرانیان بیش‌تر به زیارت قبور مشایخ صوفی می‌رفتند که بیش‌تر سنی بودند. در این دوران، به زیارت قبور امام‌زادگان نیز می‌رفتند. شاه تهماسب خود به سفرهای زیارتی می‌رفت تا تشویقی برای مردم باشد. دو سفر زیارتی-نظامی او به مشهد در سال‌های ۹۳۵ و ۹۳۶ قمری به دنبال ضرورت لشکرکشی به آن منطقه و نبرد با ازبکان بود. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۱۷۲؛ غفاری، ۱۳۴۲، ص ۲۸۷) شاه تهماسب در سال ۹۳۹ قمری، برای مقابله با عبیدخان ازبک به هرات رفت و از آن جا به مشهد مقدس آمد و به طواف بارگاه امام رضا علیه‌السلام پرداخت و از روح مقدس ایشان طلب فتح و

نصرت نمود و با دل قوی و عزم درست، باز به هرات بازگشت. (خورشاه، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴) در همین سال یا بنابه برخی گزارش‌ها سال ۹۴۰ قمری، نیز به زیارت مشهد مقدس رفت و در این مکان مقدس از جمیع ملاهی و مناهی توبه کرد. (همان، ص ۱۱۸؛ افوشته‌ای، ۱۳۷۳، ص ۱۴) در سال ۹۵۰ قمری، بار دیگر عازم مشهد مقدس شد. (خورشاه، ۱۳۷۹، ص ۱۴۹) غیر از مشهد مقدس، مکان‌های مذهبی دیگر، قم و ری بودند. شاه در سال ۹۴۴ قمری، عازم زیارت حضرت عبدالعظیم شد (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۷۳) و در سال ۹۴۹ قمری، مدتی را در قم به سر برد و به زیارت مشغول شد. (همان، ص ۲۹۹) علاوه بر مکان‌های مذهبی داخلی، شاه در سال ۹۴۱ قمری نیز به زیارت سیدالشهدا رفت. (عالم‌آرای شاه‌تھماسب، ۱۳۷۰، ص ۱۶۳-۱۶۴) علاوه بر شاه، سران لشکری و کشوری نیز به زیارت می‌رفتند که در گزارش‌ها به آن‌ها اشاره شده است. (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۸۸-۳۹۰؛ شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۳)

از کارهایی که شاه‌تھماسب برای مقابر ائمه انجام داد، ساختن گنبد طلا برای ضریح امام رضا علیه السلام بود. (منشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۳) او پس از این که در حرم رضوی از منہیات توبه نمود، به شکرانه این توفیق نذر کرد که قبه گنبد مرقد آن امام همام را مطلا سازد. از این رو، به نذر خویش وفا کرد و مقدار ۶۳ من طلا جهت گنبد و هفده من برای میل گنبد صرف کرد. (افوشته‌ای، ۱۳۷۳، ص ۱۴-۱۵) حصار مستحکم مشهد مقدس نیز از آثار اوست. (روملو، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۱۵۳۱؛ واله، ۱۳۷۲، ص ۳۹۸؛ شاملو، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۵) عمارات حضرت عبدالعظیم در ری و شاه‌زاده حسین در قزوین، از دیگر آثار وی است. (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۰۹)

به نقل افوشته‌ای، شاه‌تھماسب در باب اخلاص و اعتقاد و خلوص محبت و وداد نسبت به خادمان حضرت خاتم‌الانبیا و سلسله اهل‌بیت علیهم السلام بسیار اهتمام داشت، به گونه‌ای که کسی مانند او در پیروی حضرات اهل‌بیت و تقویت و تربیت دین و ملت نکوشیده است. او در رواج و رونق آستان‌های چهارده معصوم علیهم السلام نهایت تلاش را به عمل آورد. (افوشته‌ای،

۱۳۷۳، ص ۱۵) وی هر سال از اجناس تحفه و مال، مبلغ هشتاد هزار تومان به اماکن شریفه و آستان‌های متبرکه مثل مکه معظمه و مدینه مکرمه و مشاهد مقدسه حضرات ائمه معصومین^ع و مراقد امام‌زاده‌های شیعی می‌فرستاد. از جمله، هر روز پنج تومان به مواد طعام و شربت بارگاه امام هشتم^ع اختصاص داشت و با این طعام فراهم آمده، همراه با ترشی و سبزی، صبح و شام، فراشان و خدمت‌کاران از طبقات مردم، سادات، علما، زائران و خادمان پذیرایی می‌کردند. در بقیه آستان‌ها هم به همین نحو عمل می‌شد. (همان) در گزارش قمی نیز آمده است که اخراجات سرکار عتبات عالیات که همه زر نقد از خزانه عامره قریب به پنج - شش هزار تومان به مشهد مقدسه رضویه و آستانه مقدسه معصومه قم و آستانه امام‌زاده عبدالعظیم و بقعه صفویه (در اردبیل) و آستانه شهابیه در اهر که نذر سنتی پادشاه بود می‌فرستاد و تا مبلغ ده هزار تومان دیگر از سیورغالات و حاصل موقوفات و نذورات در آن آستانه‌ها به هم می‌رسید که به مستحقین داده می‌شد. او مقرر کرده بود که سفره و دستار خوان و پرده و قالی‌های ابریشمین و جاجیم‌های سقرلاط و قندیل‌های طلا تهیه شده و بارها به عتبات عالیات و اماکن متبرکه فرستاده شود. (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۹۷-۵۹۸)

شاه تهماسب همه تأییدات و توفیقات ایام پادشاهی خود را از باطن قدسی حضرات ائمه هدی می‌دانست و به تعبیر قمی، خلوص عقیده و ولای او اقتضا کرد که ساحت مشاهد مقدسه و حتی اطراف عتبات عالیات که «مطرح انوار فتوحات عالم بالا و قبله‌گاه کروبیان ملأ اعلاست»، به‌ویژه روضه منوره امام رضا^ع از غبار منہیات و آرایش مکروهات منزّه و مصفا باشد. (همان، ص ۳۸۰-۳۸۱)

توسل به ائمه معصومین، طلب شفاعت از ایشان و زیارت مشاهد و مقابر متبرکه امامان شیعه و منسوبان آن‌ها به ویژه با تأکید بر جنبه فوق‌طبیعی امام، از شاخص‌ها و ویژگی‌های مهم فرهنگ شیعه است. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۴۲-۴۳) همین عامل، باعث شد که شاه تهماسب با رفتن به زیارت مقابر امامان، این فرهنگ را در میان مردم ترویج دهد.

هم‌چنین توجه ویژه او به مقابر امام‌زادگان، باعث شد که مکان‌های مذهبی رونق بگیرند و مردم بیش‌تر به سوی آن‌ها جذب شوند. در مجموع عشق ورزیدن به اهل‌بیت و گریستن بر آنان و زیارت حرم‌های مطهرشان، توجه و اهتمام به بزرگداشت عاشورا، توسل به ائمه، ساختن گنبد و بارگاه برای مزار امامان و امام‌زادگان، برگزاری مناسک و شعائر مذهبی، بزرگداشت واقعه غدیر خم و مراسم انتظار حضرت مهدی عج از نمادهای مهم شیعیان بود که در عهد صفویه و به‌ویژه در دوره شاه‌تهماسب در جامعه ترویج می‌شد و شاعران در سروده‌های خود از این مضامین بهره می‌گرفتند و از این طریق، پیوند ایمانی و عاطفی مردم با امامان تقویت می‌شد.

ط) بخشودگی مالیات شهرهای پیش‌گام در تشیع

بخشودگی مالیات شهرهای پیش‌گام در تشیع، از اقدامات دیگر تهماسب برای ترویج تشیع بود. این اقدام او، تشویقی برای دیگر شهرها محسوب می‌شد. از جمله تخفیفات و تصدقاتی که به مردم داد، لغو گرفتن مالیات تمغای شوارع بود که از دیرباز، حکومت‌ها از تاجران و رفت‌وآمدکنندگان ثروتمند دریافت می‌کردند و هر ساله حدود هزار (به روایتی سی‌هزار) تومان شاهی عراقی عایدی وصول می‌شد. وی برای برانداختن آن مالیات، به رؤیای صادقه متوسل شد. از این رو، شایع کرد امام زمان (عج) را در خواب دیده و آن حضرت در عالم رؤیا، به رفع برخی مبتدعات اشاره فرموده‌اند. او تمامی سادات، علما، فضلا، امرا و ارکان دولت را در ایوان چهل‌ستون قزوین دعوت کرد و شرح رؤیای صادقه خود را برای ایشان نقل کرد. سپس در سیزده شوال سال ۹۷۲ قمری، در فرمانی این مالیات را بر پرداخت‌کنندگان بخشید و تمغاچیان از کشور برطرف شدند و اثری از این جوه نماند. (شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ خورشاه، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۵؛ منشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۲؛ واله، ۱۳۷۲، ص ۳۹۹) شاه‌تهماسب ثواب این بخشودگی را به ارواح مطهر حضرات ائمه هدی عج هدیه کرد و در این باره پروانجات مؤکد به لعنت‌نامه

نوشت و به اطراف و اکناف کشور فرستاد و نیز دستور داد که این حکم را بر سنگ نقش کنند. (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۴۹-۴۵۰؛ غفاری، ۱۳۴۲، ص ۳۱۰) هم‌چنین وی مبالغ زیادی از وجوهات تابعه مال و خراج که از گذشته تا پیش از این سال، داخل ابواب‌المال شده بود و مردم ناتوان از این بابت تحت فشار مأموران مالی قرار می‌گرفتند، تخفیف داد و مال اصناف و محترفه (پیشه‌وران) بیش‌تر بلاد را مؤکد به لعنت‌نامه بخشید و مبلغی دیگر از مال وجوه منهیات چون شراب‌خانه و قمارخانه و امثال این را مسدود نمود. (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۵۰) نیز «مال محترفه و مواشی و مراعی اکثر ممالک خصوصاً محال شیعه به تخفیف رعایا مقرر کرده، از دفاتر اخراج نمودند». (منشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۲؛ واله، ۱۳۷۲، ص ۳۹۹؛ قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۹۷)

عبدی‌بیگ گزارش کامل‌تری در این باره داده و این بخشودگی‌ها را به واسطه حسن سلوک شاه تهماسب با مردم و رعایا دانسته است. (شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۱۶۷) در جواهرالخبار آمده که اخراجات و تمغاواتی که شاه بخشیدن آن را دستور داد، هر سال قریب هشتاد هزار تومان می‌شد و مال راستی را ده سال و بیست سال نزد رعایا گذاشت. (منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵) در واقع شاه که بیش‌تر اوقاتش به گفت‌وگو با ارباب فضل و کمال می‌گذشت و همت او بر اشاعه عدل و احسان و رفع ظلم و عدوان بود (خورشاه، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱؛ شاملو، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۴) و نیز در اثر مجالست با عالمان شیعه و بحث با آنان بر سر مسائل، کم‌وبیش با احکام اسلامی آشنایی یافته بود، می‌دانست بعضی از اعمال حکومتی مجوز شرعی ندارد؛ لذا در صدد لغو برخی از مالیات‌ها و اموال مشکوک و شبهه‌ناک و منع برخی از محرمات برآمد و احکامی را در این باره صادر کرد. (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۹۷) او برای پذیرش این احکام در جامعه، گاه به رؤیاهایی متوسل می‌گردید که در آن‌ها بیان می‌شد ائمه به این امور نظر داشته‌اند.

شاه تهماسب طی فرمانی؛ مالیات آذربایجان، عراق، فارس، خراسان، شیروان و گیلان، خصوصاً تمغای دارالضرب طلا و نقره که تا آن زمان بخشیده نشده بود، مؤکد به لعنت‌نامه

بخشید. در این فرمان، به مستوفیان دستور داد «ابواب جمع دارالسلطنه تبریز و شوارع ارض روم و عراق را که به مبلغ سه هزار و هشتصد و هفتاد و پنج تومان و هشتصد دینار در آن ملک جمع بود»، از آن تاریخ مسدود دارند و هرگز از کسی طلب‌کاری نکنند و این رسم را به کلی از کشور برطرف سازند (نوایی، ۱۳۶۸، ص ۲۳).

هم‌چنین شاه‌تھماسب در بیش‌تر مناطق کشور و شهرهای بزرگ، مقرر کرده بود که در میان فقرا و نیازمندان آن شهرها از مرد و زن نان به نیت صدقه، توزیع شود. نیز در مناطق شیعی به‌ویژه مشهد مقدس، سبزوار، استرآباد، قم، کاشان، یزد، تبریز و اردبیل، برای چهل نفر از ایتم ذکور و چهل نفر از اناث، علاوه بر تأمین لباس و مایحتاج، معلم و معلمه شیعه‌مذهب پرهیزگار و خدمت‌کار دارای صلاحیت قرار داده بود که آن‌ها را تربیت کنند. آن‌گاه پس از این که به بلوغ می‌رسیدند، آن‌ها را به ازدواج یک‌دیگر درمی‌آورد و دوباره به جای آن‌ها، گروه دیگری از ایتم به همان نحو رسیدگی می‌شدند. (شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۱۶؛ منشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۲؛ واله، ۱۳۷۲، ص ۳۹۸-۳۹۹) خمس و زکات را از سرکار خاصه شریفه در هر شهری از مملکت معین کرده بود و مشایخ و علما موظف بودند که آن‌ها را بین نیازمندان تقسیم کنند. هر ساله تصدقات و خیرات و مبرات شاه‌تھماسب، زیاد از بیست هزار تومان می‌شد. (قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۹۸-۵۹۹) نویسنده تکلمة الاخبار، خیرات، مبرات، تصدقات، انعامات، احسانات، وظایف، مدد خرج، مدد معاش، نذورات و امثال این‌ها را که شاه‌تھماسب اهدا می‌کرد، زیاد از آن می‌داند که از عهده بیان آن بیرون توان آمد. وی این همه را از باب حسن خلق و کرم و رأفت او در حق نیازمندان و مستحقان به حساب آورده است. (شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۱۶۸)

در مجموع، ارزیابی تاریخ‌نگاران عصر صفوی درباره شاه‌تھماسب و اقدامات مذهبی او مثبت است و شخصیتی دین‌مدار، شریعت‌گرا، پارسا و در خدمت مذهب شیعه دوازده امامی از وی توصیف کرده‌اند که توانست احکام شریعت را اجرا و مذهب حق شیعه را رواج دهد. (منشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲؛ واله، ۱۳۷۲، ص ۳۹۴-۳۹۹؛ جنابدی، ۱۳۷۸،

ص ۵۷۰-۵۷۱؛ خورشاه، ۱۳۷۹، ص ۱۹۹-۲۰۱؛ قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۹۶-۵۹۹؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴-۱۴۷؛ شاملو، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۴-۹۵) وی «از غایت اخلاص و حسن اعتقاد به حضرت شاه ولایت پناه»، خود را بنده شاه ولایت نامید و همین عبارت که ماده تاریخ جلوسش نیز بود، نقش خاتم او شد که بر احکام می‌زد. (منشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۶؛ حسینی منشی، ۱۳۸۵، ص ۴۰۷) عبدی بیگ شیرازی، دوازده ویژگی و امتیاز برای شاه تهماسب برشمرده که او را از پادشاهان گذشته و معاصر وی ممتاز کرده است. از جمله:

۱. نسب، سیادت موسویه حسینی فاطمیه علویه؛

۲. تشیع فطری و ترویج مذهب حق؛

۳. وابستگی به خاندان ولایت و هدایت و ارشاد. (شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۱۶۵-۱۶۹) حتی نویسنده تاریخ راقم که مذهب سنت داشت، درباره شاه تهماسب نوشته، مذهب اهل تشیع در زمان او شایع گردید. (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷)

نتیجه

با ظهور دولت صفویه و برقراری وحدت مذهبی و ایجاد نوعی مرزبندی بین این دولت و همسایگان خود، صفویان در عرصه داخلی، نیازمند به کار بستن اقداماتی بودند که به تثبیت و گسترش تشیع در کشور کمک نماید و در برابر، همسایگان نیز ناچار بودند سیاست‌هایی را در پیش گیرند تا استقلال ایران را در برابر تهاجمات فرهنگی و نظامی دو همسایه، عثمانی و ازبکان، حفظ کنند. همگون‌سازی فکری در جامعه بر اساس اندیشه شیعی، تعدیل اندیشه‌های غالبانه و صوفیانه، مذهبی کردن چهره ظاهری حکومت، اداره اماکن مذهبی، مبارزه با مخالفان مذهبی، تبیین مبانی فقهی حکومت بر اندیشه‌های شیعه، ترویج و نشر اندیشه شیعی در ساختار جامعه، از مسائل مهمی به شمار می‌رفت که دولت صفویه در عرصه داخلی، با آن مواجه بود. بنابراین، نشان دادن چهره مذهبی از حکومت و کسب مشروعیت سیاسی و تداوم ثبات سیاسی در مقابله با همسایگانی که با صفویان در تباین مذهبی بودند، باعث شد که مقوله ترویج تشیع را برای صفویان ضروری کند. اما رسیدن به

چنین اهدافی، بدون عالمان و فقیهان شیعی و منابع و متون شیعی امکان‌پذیر نبود. از این رو، شاهان صفویه به ویژه شاه‌تهماسب، زمینه را برای ورود عالمان شیعی از جبل‌عامل و بحرین به ایران فراهم کردند و به زودی قشر قدرتمندی در درون جامعه شکل گرفت که بخشی از آن‌ها، مناصب عمده مذهبی و تشکیلات سازمانی صفویه را نیز برعهده گرفتند. عالمان با توجه به اوضاع سیاسی - اجتماعی حاکم بر جامعه، به ترویج و تثبیت مذهب تشیع در جامعه پرداختند. آنان با در اختیار گرفتن تأسیسات دینی در شهرها، در گرایش مردم به سوی تشیع کوشش کردند.

شاه‌تهماسب به یاری علما، اقدامات گسترده‌ای را طراحی کرد که بتواند تشیع را در متن جامعه وارد کند. تکیه اصلی این رویکرد، ترویج تشیع در قالب اقدامات فرهنگی بود که پدید آمدن متون کلامی، فقهی، حدیثی، فلسفی و تاریخی، با نگرش شیعی و تربیت تعداد بسیاری عالم برجسته در رشته‌های مختلف مذهبی نتیجه آن بود. در این دوره، ساختن مدرسه به عنوان یکی از نهادهای دینی و آموزشی شدت گرفت. افزونی تعداد مدارس، موجب نشر دانش و اشاعه اندیشه‌های شیعی در جامعه و تربیت نسلی از فقهای ایرانی شد که بعدها در دولت صفوی، متصدی مسئولیت‌های مهمی شدند و نقش عمده‌ای در تثبیت و گسترش شیعه دوازده امامی ایفا کردند. حمایت پادشاهان از عالمان، با عناوینی چون مجتهدالزمانی و نایب امام زمان غایب، مناسبات دوجانبه‌ای در پی داشت. در این هم‌کاری، نوعی مشروعیت را برای دولت صفویه رقم زدند. دیدگاه مجتهد، پشتوانه این مشروعیت محسوب می‌شد. با رونق گرفتن سنت مسجدسازی در این دوره، شمار این مؤسسه مذهبی در کشور افزایش یافت. این مساجد، علاوه بر برگزاری مراسم‌های مذهبی و عبادی در آن‌ها، به مکانی برای آشنایی عامه مردم با مسائل شرعی و دینی تبدیل شدند. در واقع مساجد، نوعی مدرسه به شمار می‌آمدند که حدیث و فقه و قرآن در آن‌ها آموزش داده می‌شد.

با این وصف، در پاسخ به نخستین پرسش پژوهش، گزارش‌های تاریخی نشان دادند که شاه‌تهماسب اول، با در پیش گرفتن سیاست مذهبی و اقدامات گسترده فرهنگی، در ترویج و نهادینه‌سازی تشیع در جامعه اقدام کرد. او با به‌کارگیری عالمان در مناصب رسمی دولت،

در پیوند مذهب و سیاست برای دینی کردن حکومت، ترویج شعائر شیعی در پیکره جامعه، تأسیس مدارس علمیه به عنوان نهاد رسمی آموزش و بنای مساجد به عنوان پایگاهی دینی که متکفل ترویج مبانی اعتقادی و فقهی شیعه در جامعه بودند، به خدمت گرفتن عنصر شعر (مدیحه‌سرایی) در خدمت فضایل و مناقب ائمه شیعی، برپایی مراسم مذهبی به منظور یادمان‌سازی، ترویج سفرهای زیارتی، بازسازی و بنای زیارتگاه‌ها و امام‌زاده‌ها به منزله نمادهای شخصیت‌های شیعی و پایگاه‌گردهمایی شیعیان، بهره‌گیری از نهاد وقف در ترویج مذهب، زمینه‌سازی برای تدوین متون فقهی، حدیثی و کلامی توسط علمای شیعه، ترجمه متون دینی از زبان عربی به فارسی، بخشودگی مالیات شهرهای شیعی و اقدامات دیگر، توانست در نهادینه‌سازی و گسترش شیعه در جامعه ایران همت بگمارد.

پرسش دوم نیز که درباره چگونگی نقش عالمان و خاندان‌های شیعی در نهادینه‌سازی تشیع در زمان شاه‌تهماسب اول بود، با توجه به مطالب متن، به این پاسخ رسید که عالمان شیعه دوره تهماسب، با تصدی مناصب مذهبی در حکومت نظیر صدارت و قضاوت و ریاست عالی بر مراکز آموزشی و دینی، امام‌زاده‌ها، زیارتگاه‌ها و بقاع متبرکه شیعی، تدوین کتب و رسائل، تربیت شاگرد، مبارزه با گرایش‌های ضدشیعی، و تلاش در همگون‌سازی فکری جامعه براساس مذهب شیعه، در نهادینه‌سازی آن مؤثر بودند. اما پاسخ پرسش سوم این‌که در دوره شاه‌تهماسب، مذهب و سیاست در پیوندی دوسویه با هم، از توان یک‌دیگر در جهت مشروعیت‌سازی و استحکام پایه‌های حکومت و نیز گسترش دامنه مذهب در جامعه بهره می‌بردند و علمای شیعی، دولت صفویه را به فرصتی برای تثبیت تشیع در جامعه ایران تبدیل کردند. در مجموع، اقدامات فرهنگی شاه‌تهماسب مبنی بر نهادینه‌سازی تشیع در جامعه که از طریق مثلث فقها، تاریخ‌نگاران و شاعران، تبیین و تبلیغ می‌شد، چنان خدمتی به تقویت مذهب تشیع کرد که تحولات گوناگونی که پس از صفویه در کشور پدید آمد، هیچ‌گاه نتوانست این مذهب را از عرصه حیات سیاسی و اجتماعی کنار زند.

فهرست منابع

۱. آقاجری، هاشم، *مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی*، چاپ دوم، تهران: طرح، ۱۳۸۹.
۲. ابطحی، مصطفی، «رسمیت یافتن تشیع در ایران، چالش‌ها و دستاوردها (۱۵۰۱-۱۹۰۷ م.)»، مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، به اهتمام مقصدعلی صادقی، تبریز: ستوده، ۱۳۸۳، ص ۱-۱۶.
۳. احمدی، نزهت، «در باب اوقاف صفوی» (مجموعه مقالات)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۴. _____، «تشیع و تصوف در عصر صفوی»، مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره چهل، بهار، ۱۳۸۴، ص ۴۱-۶۲.
۵. اسماعیلی، صغرا، *پژوهشی در سکه‌ها و مهرهای صفوی*، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پژوهشکده زبان و گویش، ۱۳۸۵.
۶. افوشته‌ای نظنزی، محمود بن هدایت‌الله، *نقاوة الآثار فی ذکر الاخبار*، به اهتمام احسان اشراقی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۷. ایمانیه، مجتبی، *تاریخ فرهنگ اصفهان (مراکز تعلیم از صدر اسلام تا کنون)*، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۵.
۸. بغدادی، قطب‌الدین محمد، *دیوان فارسی فضولی*، چاپ دانشکده زبان و ادبیات، تاریخ و جغرافیا دانشگاه آنکارا، ش ۱۳۵، سری بیستم، ۱۹۶۲.
۹. بلیک، استفان، پی، *نصف جهان (معماری اجتماعی اصفهان صفوی)*، ترجمه محمد احمدی‌نژاد، اصفهان: خاک، ۱۳۸۱.
۱۰. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، *دایرة‌المعارف بناهای تاریخی در دوره اسلامی (مساجد)*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۱. جعفریان، رسول، *تاریخ ایران اسلامی*، دفتر چهارم صفویه از ظهور تا زوال، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۱۲. _____، *دین و سیاست در دوره صفوی*، قم: انصاریان، ۱۳۷۰.
۱۳. _____، *صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست*، ج ۳، قم: حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.

۱۴. _____، *نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی*، تهران: علم، ۱۳۸۷.
۱۵. جنابدی، میرزاییگ حسن بن حسین، *روضه‌الصفویه*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸.
۱۶. چلونگر، محمدعلی، «سیاست مذهبی شاه تهماسب و گسترش تشیع در ایران»، مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، به اهتمام مقصودعلی صادقی، تبریز: ستوده، ۱۳۸۳، ص ۲۷۸-۲۶۳.
۱۷. حسین زاده، محمدعلی، *اندیشه سیاسی محقق کرکی*، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰.
۱۸. حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود، *ریاض الفردوس خانی*، به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۵.
۱۹. خواند امیر، امیر محمود، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی*، تصحیح و تحشیه محمدعلی جراحی، تهران: نشر گستره، ۱۳۷۰.
۲۰. خوانساری، میرسید محمدباقر، *روضات الجنات فی الاحوال العلماء و السادات*، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، ج ۲، ۴، ۵ و ۸، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۵۶.
۲۱. خورشاه بن قباد الحسینی، *تاریخ ایلچی نظام شاه*، تصحیح و تحشیه محمدرضا نصیری، کوئچی هانه‌دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
۲۲. راقم سمرقندی، میرسید شریف، *تاریخ راقم*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۰.
۲۳. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، *آثار ملی اصفهان*، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲.
۲۴. روملو، حسن بیگ، *احسن التواریخ*، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی، ج ۲ و ۳ (دوره ۳ جلدی)، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
۲۵. سپاهی، مجتبی، «تحلیلی بر نقش فقهای اصفهان و ناپایداری دولت صفوی»، مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، به اهتمام مرتضی دهقان نژاد، ج ۱، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۰، ص ۲۴۱-۲۵۸.
۲۶. سپینتا، عبدالحسین، *تاریخچه اوقاف اصفهان*، اصفهان: اداره کل اوقاف منطقه اصفهان، ۱۳۴۶.
۲۷. سلطان زاده، حسین، *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون*، تهران: آگاه، ۱۳۶۴.
۲۸. شادپور، حسن، «سیاست مذهبی شاه تهماسب اول»، مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، به اهتمام مقصودعلی صادقی، تبریز: ستوده، ۱۳۸۳، ص ۴۹۳-۵۰۵.

۲۹. شاردن، جان، *سفرنامه شاردن*، ج ۳، ۴ و ۵، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس، ۱۳۷۴.
۳۰. شاملو، ولی‌قلی بن داوودقلی، *قصص الخاقانی*، تصحیح حسن سادات‌ناصری، ج ۱ (دوره ۲ جلدی)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۳۱. شایسته‌فر، مهناز، *عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموریان و صفویان*، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۲. شیرازی (نویدی)، خواجه زین‌العابدین علی (عبدی‌بیگ)، *تکملة الاخبار*، تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۹.
۳۳. _____، *روضه الصفات*، ترتیب متن و مقدمه از ابوالفضل هاشم‌اوغلی رحیموف، مسکو، اداره دانش، ۱۹۷۴.
۳۴. صدیق، عیسی، *سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۳۵. صفت‌گل، منصور، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی*، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.
۳۶. صفوی، سام‌میرزا، *تذکره تحفه سامی*، تصحیح و مقدمه از رکن‌الدین همایونفرح، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
۳۷. صفوی، (شاه) طهماسب بن اسماعیل، *تذکره شاه طهماسب*، با مقدمه امرالله صفری، چاپ دوم، تهران: شرق، ۱۳۶۳.
۳۸. طغیانی، اسحاق، *تفکر شیعه و شعر دوره صفوی*، اصفهان: دانشگاه اصفهان، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵.
۳۹. طهرانی، شیخ آقابزرگ، *الدریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۲۱، قم: اسماعیلیان، بی‌تا.
۴۰. *عالم‌آرای شاه طهماسب*، [بی‌نا]، به کوشش ایرج افشار، بی‌جا، دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
۴۱. غفاری قزوینی، قاضی احمد، *تاریخ جهان‌آرا*، با دیباچه حسن نراقی، تهران: کتاب‌فروشی حافظ، ۱۳۴۲.
۴۲. فرهانی منفرد، مهدی، *مهاجرت علمای شیعه از جبل‌عامل به ایران در عصر صفوی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۴۳. قزوینی، ابوالحسن، *فوائد الصفویه، تاریخ سلاطین و امرای صفوی پس از سقوط دولت صفویه*، تصحیح، مقدمه و حواشی مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.

۴۴. قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین الحسینی، *خلاصه‌التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۴۵. کنبی، شیلا، *هنر و معماری صفویه*، ترجمه مزدا موحد، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری، ۱۳۸۸.
۴۶. کیانی، محمدیوسف، *معماری ایران دوره اسلامی*، چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۴۷. گلریز، محمدعلی، *مینودر یا «باب‌الجنه»*، ج ۱، قزوین، حله، ۱۳۶۸.
۴۸. محتشم، علی بن احمد، *کلیات اشعار (رساله نقل عشق)*، به تصحیح مهرعلی گرگانی، تهران: سنایی، ۱۳۴۴.
۴۹. مدرسی طباطبایی، حسین، *مکتب در فرایند تکامل، نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین*، ترجمه هاشم ایزدپناه، چاپ سوم، تهران: کویر، ۱۳۸۶.
۵۰. _____، *برگی از تاریخ قزوین*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۱.
۵۱. منشی، اسکندریگ، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
۵۲. منشی قزوینی، بوداق، *جواهر الاخبار*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.
۵۳. موحد ابطی، میرسیدحجه، *ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه‌های علمیه اصفهان*، ج ۲، اصفهان: دفتر تبلیغات المهدی، ۱۴۱۸.
۵۴. میراحمدی، مریم، *تاریخ سیاسی اجتماعی ایران در عصر صفوی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۵۵. _____، *دین و مذهب در عصر صفویه*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۵۶. میرزا سمیعا، *تذکره‌الملوک*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، همراه با سازمان اداری حکومت صفوی (تعلیقات بر تذکره‌الملوک)، و. مینورسکی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۵۷. ناعمی، زهره، *بررسی و تحلیل ادبی و جامعه‌شناختی نمادهای دینی در شعر شیعه قرن اول تا پنجم هجری*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۰.
۵۸. نوایی، عبدالحسین، شاه‌تهماسب صفوی، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی، تهران: ارغوان، ۱۳۶۸.

۵۹. واله اصفهانی، محمدیوسف، *خلد برین (ایران در روزگار صفویان)*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.
۶۰. وحشی بافقی، کمال‌الدین، *کلیات اشعار (مثنوی فرهاد و شیرین)*، تهران: کتابچی، ۱۳۴۷.
۶۱. هدایتی، محمدعلی، *آستانه ری*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۴.
۶۲. هنرفر، لطف‌الله، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، اصفهان: کتابفروشی ثقفی، ۱۳۴۴.